

هو الابهی الابهی - ای ثابت بر پیمان در عنوان مکتوب خطاب...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۷۱

هو الابهی الابهی

ای ثابت بر پیمان در عنوان مکتوب خطاب یا عبدالبهاء بود این چه نداء بود که جان را به هیجان آورد و روح را مهتر کرد بشارت از جمیع جهات احاطه نمود چشم روشن شد و جان و وجدان نفحه گلزار و چمن یافت. این نداء چون آهنگ ملاً اعلی عبدالبهاء را به وجد و طرب آورد فوالذی نور وجهی بنور العبودیة الصرفة لعنبتة المقدسة که هیچ ترانه ای این مشتاق را به وجد و طرب نیارد مگر آهنگ یا عبدالبهاء و الحان طیور گلشن سبب سرور و حبور نگردد الا گلبانگ یا عبدالبهاء این نغمه به رقص و طرب آرد و این لحن بدیع وله و جذب دهد ولی به شرط آنکه مرادف نعت دیگر نباشد و مقرون به لقب دیگر نگردد عنوان مجرد عبدالبهاء باشد تا جان و وجدان را بهجت بی پایان بخشد هذا صفتی و هذا سمتی و هذا لقبی و هذا منقبتی و هذا منائی فی اولائی و اخرائی.

از احبای الهی ستایش فرموده بودید که در نهایت پرستش و نیایشند و پیمانۀ پیمان بدست گیرند و سر مست در بزم الهی لسان به شکرانه حضرت رحمان گشایند. البته باید چنین باشند و جز این الیوم سبیلی از برای یاران نه و دلیلی از برای پاکان نیست از فضل عمیم ربّ کریم مستدعی و راجیم که قلوب دوستانش را مہبط الہامات ربّانیہ فرماید و مطلع اشراق فیوضات نا متناہیہ تا کلّ در کمال الفت و اتحاد و یگانگی از بیگانگی عالم غرور بیزار شدہ در نهایت خضوع و خشوع با یکدیگر محشور گردند ابداً رائحة وجود از اعمال و اطوار و رفتار و



ORIGINAL



AUDIO

گفتارشان استشمام نشود بزرگواری در خاکساری است و عزّت ابدیه در تذلل و انکسار و عبودیت بندگان
حقّ هذا هو الفوز العظيم في هذا اليوم المبين. از آیه مبارکه یدبر الامر من السماء الى الارض ثم یرجع الیه فی یوم
كان مقداره الف سنة مما تعدون سؤال نموده بودید.

این یوم یوم قیامت کبری و طامۀ عظمی است زیرا در آن یوم آثار و وقایعی و انوار و حوادثی و شئون و
بدایعی و حقائق و اسراری و احکام و آثاری ظاهر گردد که پنجاه هزار سال گنجایش ظهور آن انوار و آثار را
نداشته باشد و دیگر آن که در آن یوم که میقات یوم معلوم بود احکام و شرایع و آثار و فیوضات و تعالیمش
هزار سال بلکه پانصد هزار سال جاری و ساری است این هزار سال یا پنجاه هزار سال حدود تقریبی
است و کتایه از احقاب و دهور است و در آن یوم موعود فیوضات الهیه واضحاً از ملکوت رحمانیت و
سماء فردانیت نازل و چون آن فیوضات در عالم ادنی الی الابد استقرار نیابد بلکه آن نور ساطع باز به
کوکب لامع عود نماید و آن باران رحمت که از فیوضات بحر احدیت است باز به محیط عظیم راجع
گردد چنانچه ملاحظه نمودید که در یوم ظهور نقطۀ فرقان روحی له الفداء انوار فیوضات از آن نیر لامع بر
عالم امکان واضح و مشهود و ساطع گشت و هزار سال آن فیض رحمانی بر تلال و دیار و حقائق
ممکنات فائض بود و چون دور منتهی شد آن آثار و انوار راجع به ملکوت غیب گشت. پس اشراق
جدید شد و نور بدیع طلوع نمود صبح احدیت دمید و نیر آفاق درخشید محیط عظیم به موج آمد و
امواجش اوج ملاً اعلی گرفت ابر رحمت بر خاست و باران موهبت بارید نور حقیقت طلوع نمود راه
هدایت واضح گشت دلیل جلیل ظاهر شد و سبیل حضرت رحیم مکشوف و آشکار شد بهار الهی
چنان بذل و بخشش نمود که در آغوش تربیت جنت اهی را زینت بخش ملکوت اعلی کرد این نور
جدید که در یوم سعید علم افراخت فیوضات و انوار و اسرار و آثار و آیات و بیناتش تا پانصد هزار سال
حکمش جاری است. بیش از این به جان عزیزت فرصت تحریر ندارم و الا این آیه مبارکه را شرحی بدیع
در سفری جلیل مینمودم و علیک البهاء. ع ع

